

تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران

حجت ایزدخواستی*

چکیده

نرخ بهره در نظام بانکداری متعارف با حد زدن بر بازدهی سرمایه گذاری باعث ایجاد شکاف بین سرمایه گذاری و پس انداز، کاهش انگیزه کار، محدود شدن سطح اشتغال و افزایش نابرابری درآمدی می شود. در نظام اقتصادی اسلام قرض الحسنه به عنوان یکی از شیوه ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته شده است؛ بنابراین قرض الحسنه می تواند با انتقال جریان پول از طبقات ثروتمند به طبقات کم درآمد، ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات یادشده، نقشی مهم در تثبیت درآمدها بین نیازمندان داشته باشد. براین اساس، هدف این مقاله تحلیل آثار تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از تکنیک های توابع عکس العمل تحریک (IRF) و تجزیه واریانس (VD) در دوره (۱۳۶۳-۱۳۹۲) است.

نتایج توابع عکس العمل تحریک نشان می دهد که وقوع یک شوک مثبت در لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک ها و مؤسسه های اعتباری غیربانکی، تا یک نیم دوره باعث افزایش نابرابری و پس از آن تا دور دهم باعث کاهش نابرابری درآمد شده است، هرچند کاهش در نابرابری درآمد ناچیز بوده است. همچنین، نتایج تجزیه واریانس نشان می دهد که سهم لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک ها و مؤسسه های اعتباری غیربانکی در توضیح ضریب جینی ۵/۳۰ درصد بوده است.

واژگان کلیدی: قرض الحسنه، نرخ بهره، ربا، توزیع درآمد، ایران.

طبقه بندی JEL: E43, D33

۱. مقدمه

وجود بهره در نظام بانکداری متعارف یکی از علل پیدایش نابرابری است؛ زیرا سود فعالیت اقتصادی به صورت تفاضل درآمد و هزینه، متغیر است و در بازار رقابت کامل به صفر میل می‌کند؛ ولی بهره نرخ ثابت داشته و جزئی از هزینه ثابت تمام شده سرمایه به شمار می‌آید. بنابراین، نظام بانکداری متعارف بدون توجه به سود یا زیان، بهره قرض را مطالبه می‌کند. کرویتس (۱۳۷۸) نقش بهره را در پدید آوردن نابرابری توضیح داده، می‌گوید: هر کالایی در معرض ائتلاف و کهنگی قرار دارد و امکان احتکار آن نیست؛ درحالی‌که صاحب سرمایه مالی از این خطر مصون است. بنابراین، صاحب پول می‌تواند پول را احتکار کند و برای کسب بهره بیشتر صبر کند. به‌همین دلیل بازار سرمایه در هیچ زمانی اشباع نمی‌شود و کمبود عرضه مصنوعی پول وجود خواهد داشت و یکی از علل مثبت شدن نرخ بهره در همین نکته نهفته است.

در نظام اسلامی قرض به‌عنوان یکی از عقود معاملاتی دارای احکام مخصوص به خود است و با امضای این قرارداد عقلایی برای صحت آن شرایطی را همچون بدون ربا بودن ذکر کرده‌اند. اما آنچه در اینجا به‌عنوان یک رفتار بررسی شده «قرض الحسنه» است که نوع خاصی از قرض می‌باشد. تحقق قرض الحسنه شرایط خاصی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می‌کند. «تأکید روایات بر توجه داشتن قرض‌دهنده به ثواب اخروی و نیت خدایی داشتن»، همچنین «ناپسند بودن قرض گرفتن در نیازهای غیرضروری در حوزه مصرف» از جمله این شرایط است (کميجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۵).

اسلام توجهی ویژه به عدالت اقتصادی دارد و ریشه اصلی بسیاری از مشکلات را نظام ربوی و توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند. بنابراین، هرچه فرصت استفاده از امکانات مالی برای گروه‌های فقیر و کم‌درآمد فراهم شود، تحقق عدالت اجتماعی عملی‌تر خواهد شد. اهمیت قرض الحسنه در اعطای وام تولیدی در اقتصاد به این نکته برمی‌گردد که راهکار مقابله با آثار منفی نرخ بهره است. کینز ریشه اصلی بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ را جدایی بین بخش پولی و واقعی می‌داند و باور دارد که نرخ بهره پولی، که در بازار پولی تعیین می‌شود، باعث نابرابری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌شود؛ یعنی باعث می‌شود بخشی از پس‌انداز تبدیل به سرمایه‌گذاری نشود و همین امر باعث کمبود تقاضای مؤثر و بروز رکود و بحران اقتصادی شود؛ بنابراین نرخ بهره پولی از راه محدود کردن سطح اشتغال و پدید آمدن تورم، تأثیر منفی بر بهینگی تخصیص منابع دارد (کینز، ۱۳۸۷، ص ۱۷-۴۱۶).

بنابراین نرخ بهره پولی عامل جدایی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است؛ زیرا با توجه به اینکه نرخ بهره پولی حدی است بر بازدهی سرمایه‌گذاری، تمایل کل به سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و پروژه‌های سرمایه‌گذاری کمتری حائز اولویت انتخاب خواهند شد؛ بنابراین شکاف بین پس‌انداز و

سرمایه‌گذاری بیشتر و رکود عمیق‌تر می‌شود. در نتیجه کل پس‌اندازی که به وسیله خانوارها از نظام خارج می‌شود، به نظام باز نخواهد گشت؛ بلکه فقط بخش کمتری از آن به نظام برمی‌گردد. در واقع، خاصیت تقسیم ناعادلانه ثروت به وسیله بهره‌چنین است که در آغاز، همه به یک اندازه پول در اختیار دارند، ولی در پایان، تنها یک عده محدود پول زیادی در اختیار دارند؛ حال آنکه ممکن است برخی هیچ پولی در اختیار نداشته باشند. ریشه اصلی این جابه‌جایی ناعادلانه، نظام بهره‌است. براساس این، یکی از ریشه‌های اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی جامعه، ربا و پرداخت قرض و دریافت قرض ربوی است که نظام بانکداری متعارف آن را تثبیت کرده و اشاعه داده است.

بنابراین، مکتب اقتصادی اسلام با تحریم ربا، قرض الحسنه را به‌عنوان بهترین شیوه جایگزین برای متقاضیان قرض به منظور تأمین مالی اقلام مصرف ضروری قرار داده که توانایی بازپرداخت اضافی قرض را ندارند و آن را در حوزه تولید به کار گیرند. براساس این، ثروتمندان با در نظر گرفتن پاداش معنوی قرض الحسنه می‌توانند آزادانه آن را انجام دهند. در این شیوه، امکان استفاده امکانات مالی توسط گروه‌های کم‌درآمد جامعه از قرض الحسنه فراهم می‌شود؛ ازاین‌رو می‌توان گفت که نظام اقتصادی اسلام، قرض الحسنه را به‌عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته است و جریان پول را از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم‌درآمد فراهم می‌کند. در نتیجه می‌تواند با ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات یادشده برای تثبیت درآمدها میان نیازمندان و عدم تمرکز ثروت نقشی فعال داشته باشد.

مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲ است که با استفاده از تکنیک‌های توابع عکس‌العمل تحریک (IRF) و تجزیه واریانس (VD) انجام شده است. نوآوری این مقاله، تحلیل تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران است؛ درحالی‌که در بیشتر پژوهش‌ها به بررسی آثار توسعه مالی بر توزیع درآمد پرداخته شده است.

۲. ادبیات تحقیق

۲-۱. ماهیت و اهمیت قرض الحسنه در اسلام

قرض در اصطلاح فقهی و حقوقی تملیک مال به دیگری است؛ به شرطی که قرض‌گیرنده ادای خود آن مال یا مثل آن را ضامن شود و تعهد کند. قرض الحسنه از دید فقهی و حقوقی تحت عقد قرض مطرح می‌شود و همان احکام را دارد؛ ولی تحقق آن شرایط خاصی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می‌کند. این شرایط عبارت‌اند از: «نیازمند بودن وام‌گیرنده» و «انگیزه‌های معنوی و اخروی قرض‌دهنده» (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۱۹).

بنابراین، ماهیت سپرده قرض الحسنه جاری و قرض الحسنه پس انداز، عقد قرض است و مطابق مفاد عقد قرض، مالکیت وجوه به بانک منتقل می‌شود. این انتقال مالکیت، اختیاراتی را برای بانک پدید می‌آورد که آثارش در تخصیص این منابع ظاهر می‌شود؛ به این ترتیب که بانک‌ها با لحاظ کردن ذخایر قانونی و احتیاطی، بخشی از این وجوه را به اعطای وام قرض الحسنه اختصاص داده، بخش دیگر را با دیگر عقود بانکی به کار گرفته، کسب سود می‌کنند. قانون و دستورالعمل‌های عملیات بانکی بدون ربا نیز به‌طور ضمنی این موضوع را پذیرفته‌اند؛ به‌طوری‌که بانک‌ها مطابق دستورالعمل‌های اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا مجاز شده‌اند حداکثر ده درصد از کل تسهیلات اعطایی سالانه خود را در قالب قرض الحسنه بپردازند، مشروط به اینکه از جمع کل سپرده‌های پس انداز قرض الحسنه تجاوز نکنند.^۱

در قرآن سیزده بار با واژه‌های گوناگون، سخن از قرض الحسنه به میان آمده و بر آن تأکید شده است. بنابراین، هرگاه کلمه «قرض» آمده به دنبال آن کلمه «حَسَنًا» نیز آمده است.^۲ همچنین در آیه ۲۰ سوره مَزَّمَل آمده است: «... وَ أَقِمُْوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»؛ یعنی «نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و به خدا قرض الحسنه دهید». در آیه ۱۷ تغابن نیز آمده است: «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعفه لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ» یعنی «اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما چند برابر می‌کند و شما را می‌بخشد و خداوند تشکرکننده و بردبار است». بنابراین، قرض الحسنه در زمینه تأمین منابع مالی لازم برای فراهم کردن اقلام مصرفی ضروری برای اقشار کم‌درآمد، برخلاف کنز پول موجب انتقال قدرت خرید به افراد کم‌درآمد می‌شود و نه تنها از رکود جلوگیری می‌کند، بلکه موجبات افزایش شکوفایی اقتصادی را فراهم می‌نماید.

همچنین، در صورتی که منابع قرض الحسنه صرف اعطای وام تولیدی شود، می‌تواند به سرمایه‌گذاری‌های هرچند کوچک منجر شود که آثار مثبت بیشتری برای جامعه در پی خواهد داشت. براساس این، اهمیت قرض الحسنه در اقتصاد به این نکته برمی‌گردد که قرض الحسنه، راهکار مقابله با آثار منفی نرخ بهره در اقتصاد است؛ یعنی آثار منفی وجود نرخ بهره اعم از کاهش وجوه قابل استقراض، تغییر استاندارد استانداردها (پول) و در نتیجه ایجاد نااطمینانی و بی‌ثباتی، ایجاد تورم، ایجاد شکاف بین سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، کاهش انگیزه تلاش، کاهش عرضه نیروی کار، کاهش انگیزه کارآفرینی و محدود شدن سطح اشتغال است که قرض الحسنه می‌تواند در راستای رفع این مشکلات نقش داشته باشد.

۱. ماده ۵ دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی بانک‌ها در قانون بانکداری بدون ربا.

۲. مانند آیه ۲۴۵ بقره، آیه ۱۱ سوره مائده، آیه ۱۸ سوره حدید

۲-۲. تخصیص منابع قرض الحسنه

در سیستم بانکداری اسلامی بخشی از سپرده‌های پس انداز را با عنوان سپرده‌های پس انداز قرض الحسنه در نظر گرفته‌اند. این سپرده‌ها شامل مبالغی هستند که پس اندازکنندگان به بانک می‌پردازند و در واقع برای خود حساب باز می‌کنند و حق دارند در هر زمان، میزانی معین از حساب خویش برداشت کنند. در سیستم بانکداری متعارف، قسمتی از این سپرده‌ها را به صورت اندوخته نگهداری و از وجوه باقیمانده در اعطای وام استفاده می‌کنند. علت انجام این عمل آن است که تمام صاحبان حساب به‌طور هم‌زمان، تقاضای دریافت پول خود را نخواهند کرد (اکبریان، ۱۳۸۲، ص ۵۱۹).

در حساب قرض الحسنه وجوه باقیمانده باید بدون گرفتن نرخ بهره برای مصارف قرض الحسنه استفاده شود. پس قرض الحسنه می‌تواند در سیستم بانکداری اسلامی نیز به صورتی کاملاً نظام‌مند دایر شده، به تأمین مالی نیازمندان کمک کند. بنابراین، در بخش تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا، افزون بر عقود که به منظور انتفاع به کار گرفته می‌شود، بخشی از وجوه خود را نیز در قالب قرض الحسنه به متقاضیان اعطا می‌کند.^۱ طبق ماده ۱۶ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، تسهیلات قرض الحسنه در موارد ذیل پرداخت می‌شود:

الف) تأمین وسایل و امکانات لازم برای ایجاد کار به صورت تعاونی برای کسانی که این‌گونه امکانات را ندارند؛

ب) کمک به امر افزایش تولید با تأکید بر تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی؛

ج) رفع نیازهای ضروری.

پرداخت قرض الحسنه در خصوص بند «الف»، طبق ماده ۲ دستورالعمل اجرایی، به شرکت‌های تعاونی تولیدی و خدماتی برای ایجاد کار اختصاص می‌یابد. اعطای قرض الحسنه مذکور در بند «ب»، به کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی برای کمک به افزایش تولید، در موارد ذیل، اختصاص می‌یابد:

۱. جلوگیری از توقف کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی موجود؛

۲. راه‌اندازی کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی راکد؛

۳. توسعه کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و روستاها؛

۴. ایجاد کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و روستاها؛

۱. آنچه که در ماده ۱۵ آیین‌نامه سوم قانون بانکداری بدون ربا آمده این است که منابع قرض الحسنه برای رفع احتیاجات ضروری و تأمین وسایل و امکانات لازم برای ایجاد کار و کمک به امر افزایش تولید به کار گرفته شود.

۵. در مواردی که تأمین نیاز کارگاه یا واحد تولیدی با دیگر تسهیلات امکان‌پذیر نیست؛

۶. ایجاد تسهیلات برای اشخاصی که در بخش کشاورزی به فعالیت اشتغال دارند و به علت بروز عوامل نامساعد طبیعی مانند سیل، زلزله، یخبندان، گرما، آفات نباتی و دیگر موارد اضطراری مشابه، دچار زیان شده باشند.

ج) اعطای قرض‌الحسنه، در خصوص بند «ج»، «رفع نیازهای ضرور اشخاص حقیقی»، موارد ذیل را متضمن است:

۱. هزینه‌های ازدواج؛ ۲. تهیه تجهیزیه؛ ۳. درمان بیماری؛ ۴. تعمیر و تأمین مسکن؛

۵. کمک هزینه تحصیلی؛ ۶. کمک برای ایجاد مسکن در روستا؛ ۷. رفع نیازهای متفرقه.

حداکثر وام قرض‌الحسنه اعطایی به وسیله بانک‌ها ده درصد جمع کل تسهیلات اعطایی در هر سال است، مشروط بر اینکه از جمع کل سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه آنها بیشتر نشود. همچنین، حداکثر سقف تخصیصی برای رفع نیازهای ضروری اشخاص (موجود بند ج) نباید از ۲۵ درصد کل تسهیلات قرض‌الحسنه بیشتر باشد. زمان بازپرداخت وام قرض‌الحسنه در خصوص واحدهای تولیدی و خدماتی (غیربازرگانی و معدنی) موضوع موارد بند «الف» و «ب» ماده ۲ دستورالعمل اجرایی قرض‌الحسنه حداکثر ۵ سال و زمان بازپرداخت وام قرض‌الحسنه برای رفع نیازهای ضروری در مورد اشخاص حقیقی ۳ سال تعیین شده است. کارمزد وام قرض‌الحسنه در دستورالعمل موجود حداکثر ۴ درصد است، مشروط بر اینکه از هزینه‌های تجهیز منابع قرض‌الحسنه و نیز تخصیص آن تجاوز نکند.

۲-۳. اثر قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد

توزیع مناسب درآمد یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است و مکتب اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند؛ ازاین‌رو در این مکتب توجهی ویژه به رفع این معضل اجتماعی-اقتصادی شده است. توزیع درآمد و ثروت در نظام اقتصادی اسلام با معیارهای متفاوتی انجام می‌شود. برخی از این معیارها شرعی و الزامی و برخی اختیاری است. معیارهای الزامی عبارت‌اند از: زکات، خمس، قانون ارث، منع ربا، منع احتکار، منع اسراف و تبذیر، منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع مانند قمار، تقلب و غیره. معیارهای اختیاری عبارت‌اند از: کارهای خیر اختیاری که ثروتمندان برحسب وظیفه انجام می‌دهند. از آن جمله می‌توان به صدقات و قرض‌الحسنه اشاره کرد. قرض‌الحسنه از جمله نهادهایی است که نظام اقتصادی اسلام توجهی ویژه به آن داشته و مسلمانان به صورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی، آن را انجام می‌دهند و می‌تواند نقشی مؤثر در دستیابی به توزیع عادلانه داشته باشد. در اسلام، مردم به پرداخت

قرض الحسنه تشویق شده‌اند و بدین وسیله بین دنیا و آخرت آنها پیوند ایجاد شده است. پاداش اخروی این کار به‌عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض الحسنه نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند. اثر نهاد قرض الحسنه بر توزیع درآمد شامل ویژگی‌های زیر است (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۵۵):

۱. قرض الحسنه برخلاف مالیات‌ها سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمی‌شود. بنابراین، تخصیص بهینه آنها برای عدالت اقتصادی-اجتماعی به وجود برنامه‌های مناسب در چهارچوب بودجه عمومی وابسته نیست؛

۲. قرض الحسنه با مبانی توزیع درآمد در اسلام هماهنگی دارد. در این جهت با احترام کامل به مالکیت خصوصی، قرض‌دهنده وجوه خود را با آزادی و انتخاب در اختیار دیگران قرار می‌دهد و از این کار مطلوبیت کسب می‌کند؛

۳. در اثر اختصاص مبلغ قرض گرفته‌شده به خرید کالاهای ضروری و اساسی، زمینه رشد تولید کالاهای ضروری و اشتغال فراهم می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود که قرض الحسنه تولید را متناسب با نیاز واقعی جوامع توسعه‌نیافته جهت دهد؛

۴. قرض الحسنه شاخص‌های توزیع مطلوب را داراست؛ زیرا انگیزه‌های کوشش برای تولید بیشتر و رشد را از بین نمی‌برد و در کاهش نگرانی و افزایش امید به زندگی اثربخش بوده، باعث کوشش بیشتر در زندگی روزانه جامعه می‌شود؛

۵. به دلیل سازوکار بازار، قرض الحسنه تولیدی شرایطی را ایجاد می‌کند که سهم بیشتری نصیب افراد کوشا، اما بدون سرمایه از ارزش تولید می‌شود. در نتیجه، تزریق درآمد در دهک‌های پایین‌تر فراهم می‌شود.

همچنین، در نظام اقتصاد اسلامی، کسب درآمد از طریق ربای قرضی و معاملی وجود ندارد. این مسئله تأثیری زیاد در توزیع عادلانه درآمد حاصل از تولید بین عوامل شرکت‌کننده در آن را دارد (میرمعزی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۴). یکی از مفاصل مهم ربا این است که در تأمین سرمایه، صاحب کار اقتصادی صرف‌نظر از عملکرد فعالیت اقتصادی، متعهد به بازپرداخت اصل و فرع وام بانکی است و درآمدی خارج از عملکرد بخش حقیقی اقتصاد شکل می‌گیرد که خود آثاری سوء مانند ناعادلانه شدن توزیع درآمدها و تورم را در پی دارد و توازن اقتصادی کشور از بین می‌رود (موسویان، ۱۳۷۷، ص ۲۲۶). در واقع خاصیت تقسیم ناعادلانه ثروت به وسیله بهره‌چنین است که در آغاز، همه به یک اندازه پول در اختیار دارند؛ ولی در پایان بازی تنها گروهی اندک، پول زیادی دارند؛ حال آنکه شاید گروهی هیچ پولی نداشته باشند. نظام بهره‌ریشه اصلی این جابه‌جایی ناعادلانه است.

با توجه به پاداش معنوی قرض الحسنه، ثروتمندان انگیزه بیشتری در پرداخت قرض الحسنه دارند. پرداخت قرض الحسنه در این شرایط با اینکه مطلوبیت کل جامعه را افزایش می‌دهد، کاهش

فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد را به دنبال خواهد داشت. آنچه در قرض الحسنه اهمیت پیدا می‌کند، نقش بیشتر بخش خصوصی و اتکای کمتر به دولت در تأمین نیازمندان و ایجاد توازن اقتصادی است (میرمعزی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۴).

بنابراین، طبق اصل پیگو و براساس قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی درآمد، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد پردرآمد مطلوبیت کمتری دارند. در مقابل، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد کم‌درآمد از مطلوبیت بیشتری برخوردار هستند؛ بنابراین صاحبان درآمدهای بالا در جدا شدن بخش یادشده از درآمدهایشان و انتقال آن به گروه‌های پایین درآمدی، حساسیت چندانی نشان نمی‌دهند. حال با توجه به پاداش معنوی قرض الحسنه ثروتمندان انگیزه بیشتری در پرداخت قرض الحسنه دارند. پرداخت قرض الحسنه در این شرایط با اینکه مطلوبیت کل جامعه از افزایش می‌دهد، کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد را در پی خواهد داشت.

در واقع، نهاد قرض الحسنه را می‌توان جزء نهادهای خصوصی مشارکت مردم در تأمین اهداف اقتصادی دانست. در این نهاد، قرض‌گیرندگان کسانی هستند که اولاً، به پول یا سرمایه غیرنقدی یا کالا، نیازمندند و ثانیاً، قدرت بازپرداخت قرض خود را در آینده دارند؛ برخلاف صدقه‌گیرندگان که قدرت بازپرداخت را به هیچ وجه ندارند. قرض‌دهندگان نیز کسانی هستند که مازاد درآمد داشته، مایلند بدون انگیزه سود، منافع این مازاد را اיתار کنند. قرض‌دهندگان همچنین می‌توانند شامل کسانی باشند که توان مالی لازم برای قرض دادن را ندارند و با ایجاد صندوق‌های تعاون قرض و همیاری، امکان قرض دادن را فراهم می‌کنند.

براساس این، این نهاد برای تحقق دو هدف اعتلای معنوی و عدالت اقتصادی وضع شده است. در این راستا پیگو می‌گوید: براساس قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی درآمد، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد پردرآمد مطلوبیت کمتری دارند. در مقابل، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد کم‌درآمد مطلوبیت بیشتری دارند؛ بنابراین صاحبان درآمدهای بالا در جدا شدن بخش یادشده از درآمدشان و انتقال آن به گروه‌های پایین درآمدی، حساسیت چندانی نشان نمی‌دهند (دادگر، ۱۳۹۲، ص ۲۷).

اثر قرض الحسنه را بر توزیع درآمد با دو نگرش خرد و کلان می‌توان بررسی کرد (ابونوری و قاسمی تازه‌آبادی، ۱۳۸۶):

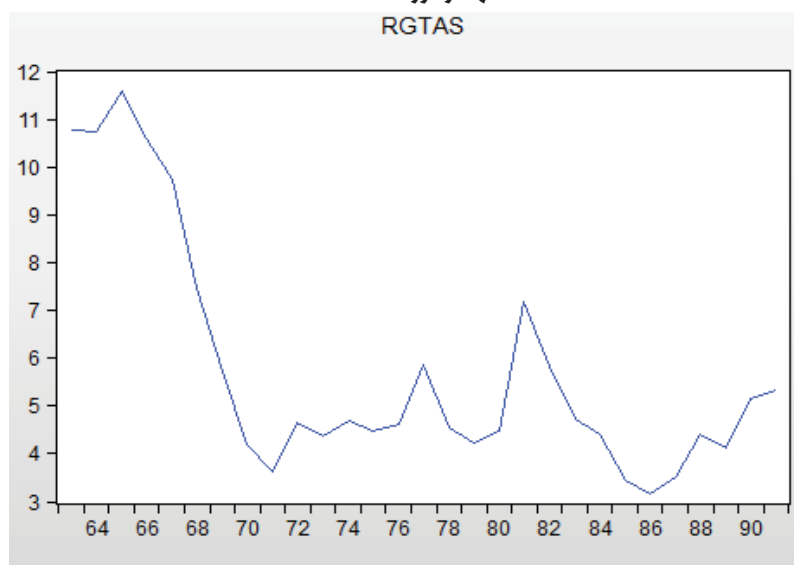
الف) در نگرش خرد به جنبه مصرفی قرض توجه می‌شود که بر طبق آن، شخص با در اختیار داشتن مبلغ قرض در ابتدای دوره به زمان مصرف خود می‌افزاید و در پایان دوره نسبت به بازپرداخت قرض اقدام می‌کند. در صورتی که اگر قرض وجود نداشت، فرد باید با پس انداز کردن در پایان دوره نیاز خود را رفع می‌کرد که به این ترتیب از دوره مصرفی او کاسته می‌شود. توجه به

استفاده قرض‌الحسنه تولیدی، به‌ویژه قرض دادن ابزار تولید در امور تولیدی کوچک و همچنین تأمین سرمایه در مورد سرمایه‌های کوچک برای آغاز تولید و تجارت نیز می‌تواند مطرح شود؛ (ب) در نگرش کلان باید به نوع سیستم قرض توجه کرد. چنانچه صندوق تعاون قرض بین افرادی تشکیل شود که دارای سطح درآمد یکسانی هستند، می‌توان انتظار داشت که اثر آن به صورت افقی باشد. در واقع، این سیستم باعث می‌شود درآمدی که در هر دوره به طبقات کم‌درآمد اختصاص می‌یابد، در اثر تبدیل به کالای بادوام در همان طبقه تثبیت شده، به طبقه دیگر منتقل نشود؛ ولی در قرض‌الحسنه امکان استفاده بخشی از اموال ثروتمندان به وسیله نیازمندان وجود دارد. بنابراین، در صورت استمرار آن، جریان مداوم ثروت از ثروتمندان به نیازمندان و طبقات کم‌درآمد برقرار و وضعیت توزیع درآمد به نفع طبقات پایین درآمدی می‌شود؛ زیرا حتی در انتقال افقی هم بهره‌مندی از آن گروه‌های پایین درآمدی است و این گروه‌های هم‌طبقه با درآمد پایین، صندوق‌های تعاونی قرض‌الحسنه را برای استفاده بهتر از منابع درآمدی تشکیل می‌دهند که به تثبیت درآمد میان این طبقات کمک می‌کند. همچنین، دانشجویان می‌توانند با استفاده از وجوه قرض‌الحسنه در دوران تحصیل، پس از اتمام دوران تحصیلات خود و یافتن شغل و یا ارتقای شغل، نسبت به بازپرداخت آن اقدام کنند. بنابراین، قرض‌الحسنه عاملی است که می‌تواند در دوره‌ای از زمان ظرفیت کسب درآمد افراد خانواده‌ها را تغییر دهد و باعث بهبود توزیع درآمد شود.

۲-۴. حقایق آشکار شده

در نمودار یک نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی به کل تسهیلات اعطایی آنها در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲ نشان داده شده است. میانگین این نسبت در طول دوره ۵/۷۸ درصد، حداکثر مقدار آن ۱۱/۵۸ درصد و حداقل مقدار آن ۳/۱۵ درصد بوده است. نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی به کل تسهیلات اعطایی از سال ۱۳۶۳ تا پایان جنگ تحمیلی روندی افزایشی داشته و با پایان جنگ و آغاز دوران سازندگی تا سال ۱۳۷۱ این روند کاهشی بوده است. از سال ۱۳۸۰ طبق ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه، با اعمال تبصره‌های قانونی برای تخصیص از سپرده‌های قرض‌الحسنه این نسبت تا سال ۱۳۸۲ افزایش یافته است. دوباره از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۶ این نسبت کاهش یافته و پس از آن این نسبت روندی افزایشی داشته است.

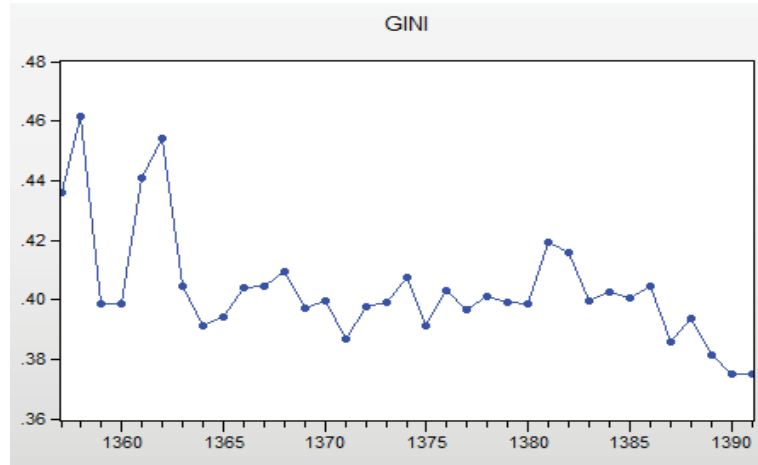
نمودار ۱: نسبت تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی به کل تسهیلات اعطایی آنها در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲



منبع: آمارهای بانک مرکزی

ضریب جینی یکی از مهم‌ترین معیارهای نشان‌دهنده وضعیت توزیع درآمد در جامعه است و به‌عنوان شاخص نابرابری درآمد در نظر گرفته می‌شود. مقدار این ضریب بین صفر و یک است و هرچه مقدار آن به عدد صفر نزدیک‌تر باشد به معنای توزیع برابر درآمد و هرچه که به عدد یک نزدیک‌تر باشد به معنای توزیع نابرابرتر درآمد است. براساس این معیار، در طبقه‌بندی کشورها براساس واقعیت‌های موجود، کشورهایی که دارای ضریب جینی بیش از ۰/۵ باشند، کشورهای با توزیع درآمد نابرابر هستند. کشورهایی که ضریب جینی آنها بین ۰/۴ و ۰/۵ قرار دارد، کشورهای با توزیع درآمد کمتر نابرابر هستند. سرانجام کشورهایی با ضریب جینی کمتر از ۰/۴ کشورهای با توزیع درآمد خوب هستند. براساس آمارهای بانک مرکزی ایران، ضریب جینی به‌عنوان شاخص نابرابری درآمد در نمودار (۲) در دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۱ نشان داده شده است.

نمودار ۲: ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری درآمد در ایران



منبع: آمارهای بانک مرکزی

براساس این نمودار در سال‌های ابتدایی انقلاب یعنی سال ۱۳۵۹، توزیع درآمد بهبود و ضریب جینی از عدد ۰/۴۶ به عدد ۰/۳۹۸ کاهش یافته است؛ ولی با آغاز جنگ تحمیلی و افزایش هزینه‌های نظامی به وسیله دولت، شاخص نابرابری درآمدی افزایش یافته و تا سال ۱۳۶۲ به عدد ۰/۴۵۴ رسیده است. دولت با اجرای سیاست نظام کالابری و تثبیت قیمت‌ها در مقطعی توانسته نابرابری درآمد را کاهش دهد. با پایان جنگ و آغاز دوره بازسازی در برنامه اول توسعه، ضریب جینی از ۰/۴۰۹ در سال ۱۳۶۸ به ۰/۳۸۷ در سال ۱۳۷۱ کاهش یافته است. پس از آن، آثار منفی اجرای برنامه تعدیل اقتصادی در دولت سازندگی مانند تورم شدید ۴۹ درصدی در سال ۱۳۷۴ باعث افزایش شاخص نابرابری درآمد به عدد ۰/۴۰۷ شده است. در برنامه پنجم توسعه، با اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده^۱ در سال ۱۳۸۷ ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری درآمد از ۰/۳۸۶ در سال ۱۳۸۷ به ۰/۳۹۴ در سال ۱۳۸۸ افزایش یافته که می‌تواند ناشی از تورم مقطعی باشد. همچنین، با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها^۲ در سال ۱۳۸۹ شاخص نابرابری درآمد از ۰/۳۸۱ به ۰/۳۷۵ کاهش یافته است.

۱. قانون مالیات بر ارزش افزوده با اختیارات ناشی از ماده ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۵۳ ماده و ۴۷ تبصره در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۷ در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تصویب و به مدت آزمایشی ۵ سال از تاریخ اول مهرماه ۱۳۸۷ به اجرا گذاشته شده است. از ابتدای سال ۱۳۹۳ میزان این مالیات از ۶ به ۸ درصد افزایش یافته است.

۲. قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در زمستان ۱۳۸۷ به صورت لایحه از سوی دولت نهم جمهوری اسلامی ایران ارائه شد و پس از تغییراتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از آذرماه ۱۳۸۹ اجرایی شد.

۳. پیشینه تحقیق

بیشتر پژوهش‌ها رابطه بین توسعه مالی با نابرابری درآمد یا رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را بررسی کرده‌اند و توجهی چندان به نقش تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد نداشته‌اند، هرچند برخی پژوهش‌های داخلی به بررسی جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکداری پرداخته‌اند. بنابراین در ادامه به برخی از پژوهش‌های مهم مرتبط پرداخته می‌شود.

لیانگ^۱ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای رابطه میان توسعه مالی و نابرابری توزیع درآمد را بررسی کرده است. نتایج حاصل از به‌کارگیری داده‌های ۲۹ استان چین در دوره ۱۹۸۶-۲۰۰۰ با استفاده از روش GMM نشان می‌دهد که توسعه مالی به‌طور معناداری باعث کاهش نابرابری درآمد شهری در چین شده است.

آنگ^۲ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای رابطه میان بخش مالی و نابرابری درآمد را در هند بررسی کرده است. نتایج حاصل از به‌کارگیری روش خود رگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی (ARDL) در دوره ۱۹۵۱-۲۰۰۳ نشان می‌دهد که توسعه مالی نقشی مهم در کاهش نابرابری درآمد داشته است.

دهریفی^۳ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای رابطه بین توسعه مالی، فقر و نابرابری و رشد اقتصادی را بررسی کرده است. نتایج حاصل از به‌کارگیری داده‌های کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۱ نشان می‌دهد که توسعه مالی باعث بهبود رشد اقتصادی و کاهش فقر در کشورهای با درآمد متوسط و بالا می‌شود؛ درحالی‌که توسعه مالی در کشورهای کم‌درآمد اثری مثبت بر اقتصاد نداشته است. همچنین، توسعه مالی باعث نابرابری بیشتر درآمد در کشورهای با درآمد متوسط شده است؛ ولی باعث بهبود توزیع درآمد در کشورهای با درآمد بالا شده است.

صلاح‌الدین و همکاران^۴ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تأثیر توسعه مالی بر فقر در بنگلادش را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از به‌کارگیری الگوی خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) همراه با شکست ساختاری در دوره ۱۹۷۵-۲۰۱۱ نشان می‌دهد که یک رابطه بلندمدت میان توسعه مالی، رشد اقتصادی و فقر در بنگلادش وجود دارد و باعث کاهش فقر می‌شود.

عرب‌مازار و کیقبادی (۱۳۸۵) در مقاله خود نشان داده‌اند که سهم سپرده‌های قرض الحسنه از کل سپرده‌ها از ۲۵ درصد به تدریج کاهش یافته است. علت آن نیز به‌طور عمده کاهش ارزش مداوم سپرده‌های بانکی در اثر تورم و تمایل مردم به سپرده‌گذاری در حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار برای کسب سود بوده است.

1. Liang

2. Ang

3. Dhriifi

4. Salah Uddin & etal

محمدغفاری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای سازوکار عملکرد صندوق‌های قرض الحسنه را بر توزیع درآمد در دو سیستم صندوق تعاون قرض و صندوق معاونت قرض بررسی کرده است. در صندوق تعاون قرض، قرض‌دهندگان که از یک طبقه درآمدی هستند، وجهی را به‌عنوان سپرده در اختیار صندوق قرض قرار می‌دهند تا پس از جمع‌آوری در صورت تحقق شرایط معین به اعضا وام داده شود. در صندوق معاونت قرض، قرض‌دهندگان از طبقه درآمدی بالاتر هستند و برای کمک به طبقات درآمدی پایین‌تر، بخشی از نقدینگی خود را به صندوق می‌دهند تا به افراد مورد نظر صندوق وام داده شود. نتایج توصیفی نشان می‌دهد که صندوق تعاون قرض به افراد عضو، این امکان را می‌دهد که پس‌اندازهای خرد به صورت کارا برای رفع نیازهای اساسی آنها به‌کار گرفته شود و باعث کاهش فاصله میان فقیر و غنی شود. ابونوری و قاسمی تازه‌آبادی (۱۳۸۶) نشان داده‌اند که فعالیت‌های صندوق‌های قرض الحسنه در ۱۵ استان اثر کاهشی معناداری بر نابرابری درآمد داشته است و در ۴ استان اثر افزایشی معنادار بر نابرابری درآمد داشته است.

احمدی و همکاران (۱۳۸۷) قرض الحسنه را به‌عنوان ابزاری مناسب برای بانکداری اسلامی در توجه به حرمت ربا می‌دانند و با بررسی عملکرد نهاد قرض الحسنه در تسهیلات بانک‌ها نشان می‌دهند که سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها پس از اجرای قانون بانکداری بدون ربا روندی کاهشی داشته است. سرانجام می‌گویند که تسهیلات قرض الحسنه افزون بر تأمین نیازهای اساسی، با تغییر الگوی تولید، ایجاد اشتغال و کاهش انحصار بر برابری درآمد مؤثر است.

جندقی میدی (۱۳۸۷) رابطه میان عقود قرض الحسنه، عقود مبادله‌ای و عقود مشارکتی با فقر را بررسی کرده است. نتایج توصیفی نشان می‌دهد که قرض الحسنه و عقود مشارکتی می‌تواند باعث کاهش فقر در جامعه شود؛ ولی عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت تعیین‌شده در عمل سیستم بانکی را ربوی می‌کند و نمی‌تواند در نیل به هدف اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام کمک کند.

دهمرده و شکری (۱۳۸۹) رابطه میان توسعه مالی و توزیع درآمد در ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج به‌کارگیری مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی در دوره (۱۳۵۲-۱۳۸۵) نشان می‌دهد که توسعه مالی باعث کاهش نابرابری درآمد شده است.

قنبری و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد را بررسی کرده‌اند. نتایج به‌کارگیری روش گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۵ در ایران بیانگر رابطه منفی و معنادار توسعه مالی و نابرابری درآمد بوده است. همچنین، شواهد کافی بر رابطه U معکوس میان توسعه مالی و نابرابری درآمد در ایران وجود ندارد.

صامتی و سجادی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تأثیر توسعه مالی و نابرابری درآمد را در منتخبی از

کشورهای در حال توسعه با سطح توسعه انسانی متوسط و درآمد سرانه بالاتر از میانگین جهانی بررسی کرده‌اند. نتایج به‌کارگیری الگوی داده‌های تابلویی در دوره ۱۹۸۴-۲۰۰۵ بیانگر وجود رابطه خطی و منفی بین توسعه مالی و توزیع درآمد بوده است.

حسینی و خزاعی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری درآمد در کشورهای عضو اکو را بررسی کرده‌اند. نتایج به‌کارگیری الگوی داده‌های تابلویی در دوره ۲۰۰۲-۲۰۱۱ نشان می‌دهد که توسعه مالی تأثیری منفی بر سرمایه‌گذاری خانوارها داشته است. همچنین، اعتبارات تخصیصی به بخش خصوصی بر وضعیت شاخص توسعه انسانی اثری معکوس داشته است.

دیزجی و آهنگری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد را در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بررسی کرده‌اند. نتایج به‌کارگیری روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) و با استفاده از داده‌های ۳۲ کشور در حال توسعه و ۳۵ کشور توسعه‌یافته در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۳ نشان می‌دهد که افزایش نهادها و مؤسسه‌های مالی باعث کاهش نابرابری درآمد شده است.

مهرگان و خوش اخلاق (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها در ایران در دوره ۱۳۶۱-۱۳۹۱ با استفاده از روش خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش تسهیلات قرض‌الحسنه به بهبود توزیع درآمد منجر شده است.

۴. روش‌شناسی و برآورد الگو

در مبانی نظری اقتصاد متعارف به رابطه میان توسعه مالی، گسترش نظام بانکی و توزیع درآمد پرداخته شده است؛ ولی در نظام بانکداری بدون ربا اعطای تسهیلات و وام به‌صورت قرض‌الحسنه مدنظر است. در این مقاله آثار تسهیلات قرض‌الحسنه و برخی متغیرهای کلان بر توزیع درآمد تحلیل می‌شود. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

تولید ناخالص داخلی سرانه

کوزنتس^۱ (۱۹۵۵) که نخستین مطالعه درباره رابطه میان تولید ناخالص داخلی و توزیع درآمد را انجام داده می‌گوید در مراحل نخستین رشد اقتصادی نابرابری درآمد افزایش می‌یابد و با تداوم رشد اقتصادی رشد نابرابری نیز کاهش می‌یابد. همچنین، وی نشان می‌دهد که توزیع درآمد در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، نابرابرتر است.

1. Kuznets

تورم

افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در هر کشور در صورتی که با افزایش درآمد نسبی طبقات مختلف درآمدی متناسب نباشد و سطح قیمت‌های نسبی کالاهایی که توسط گروه‌های خاص درآمدی مصرف می‌شود را تغییر دهد، باعث می‌شود که بر توزیع درآمد و رفاه مؤثر باشد. بنابراین، نرخ تورم به دلیل اثرگذاری بر تخصیص و توزیع درآمد، رفاه گروه‌های مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تجارت خارجی

در بحث تحلیل آثار تجارت خارجی بر توزیع درآمد، هرچه موانع تجاری مانند تعرفه‌ها و ممنوعیت‌های تجارت خارجی کمتر باشد، اختلاف قیمت‌های داخلی با قیمت‌های خارجی کمتر خواهد بود؛ بنابراین، توزیع درآمد تحت تأثیر قرار می‌گیرد و الگوی مورد نظر به صورت زیر مطرح می‌شود:

$$gini = f(lgdpp, inflation, ltrade, lgtas) \quad (1)$$

که در آن $gini$ ضریب جینی، $lgdpp$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه، $inflation$ نرخ تورم، $ltrade$ لگاریتم نسبت مجموع صادرات و واردات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص باز بودن اقتصاد و $lgtas$ لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی است. تحلیل آثار تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد با استفاده از تکنیک‌های توابع عکس‌العمل تحریک (IRF) و تجزیه واریانس (VD) در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲ در ایران انجام می‌شود. آمارهای سری زمانی مربوط به ضریب جینی، نرخ تورم و تسهیلات قرض الحسنه اعطایی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی از پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی و داده‌های نسبت مجموع صادرات و واردات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی سرانه از پایگاه بانک جهانی گرفته شده است.

۴-۱. آزمون ریشه واحد

برای جلوگیری از به‌کار بردن رگرسیون کاذب باید پایایی متغیرها بررسی شود. بنابراین، آزمون ریشه واحد در این مقاله با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته صورت می‌گیرد. اگر آماره آزمون از قدر مطلق کمیت بحرانی ارائه شده بیشتر باشد، فرضیه صفر یا وجود ریشه واحد رد می‌شود و متغیرها پایا هستند. تعداد وقفه‌های بهینه با استفاده از معیار اطلاعات آکائیک^۱ (AIC)، شوارتز^۲ (SC) و حنان کوئیک^۳ (HQ) تعیین می‌شود. در نمونه‌های با حجم کمتر از ۱۰۰ معیار شوارتز (SC)

1. Akaike information criterion

2. Schwarz information criterion

3. Hannan Quik

مناسب‌تر است؛ زیرا برای از دست دادن درجه آزادی کمتر وقفه کمتری را در نظر می‌گیرد. نتایج آزمون ریشه واحد در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول ۱: آزمون ریشه واحد با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته

نتیجه آزمون	آماره آزمون		متغیر
	با عرض از مبدأ و روند	با عرض از مبدأ	
$I(1)$	-۳/۰۴	-۲/۸۷	gini
	-۸/۰۳	-۷/۹۱	
$I(1)$	-۰/۷۸	-۰/۰۵	lgdpp
	-۶/۲۳	-۴/۱۸	
$I(1)$	-۲/۴۷	-۲/۹۸	inflation
	-۵/۹۱	-۶/۱۰	
$I(1)$	-۲/۱۸	-۱/۵	ltrade
	-۳/۹	-۳/۹۸	
$I(1)$	-۳/۴۷	-۱/۰۹	Lgtas
	-۵/۵۱	-۵/۷۱	

* مقادیر بحرانی در سطح اهمیت ۵ درصد با عرض از مبدأ -۲/۹۷ و با عرض از مبدأ و روند -۳/۵۸ است.
منبع: نتایج تحقیق

نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد متغیرهای مدل پایا از درجه یک هستند. بنابراین، باید وجود رابطه همگرایی بلندمدت بین متغیرهای الگو آزمون شود.

۴-۲. آزمون مرتبه ماتریس الگو

تعیین مرتبه ماتریس برای تعیین تعداد بردارهای هم‌جمعی بلندمدت انجام می‌شود. برای تعیین مرتبه ماتریس از آزمون حداکثر مقدار ویژه^۱ استفاده می‌شود. نتایج آزمون مرتبه ماتریس الگو در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول ۲: آزمون مرتبه ماتریس الگو (آماره آزمون $\lambda_{\max}$)

مقدار بحرانی	آماره آزمون	فرضیه صفر	فرضیه مقابل
۶۰/۰۶	۸۲/۰۴	$r = 0$	$r = 1$
۴۰/۱۷	۴۷/۳۴	$r \leq 1$	$r = 2$
۲۴/۲۷	۱۸/۸۲	$r \leq 2$	$r = 3$

منبع: نتایج تحقیق

آماره آزمون حداکثر مقدار ویژه برابر ۸۲/۰۴ است و از مقدار بحرانی ۶۰/۰۶ در سطح

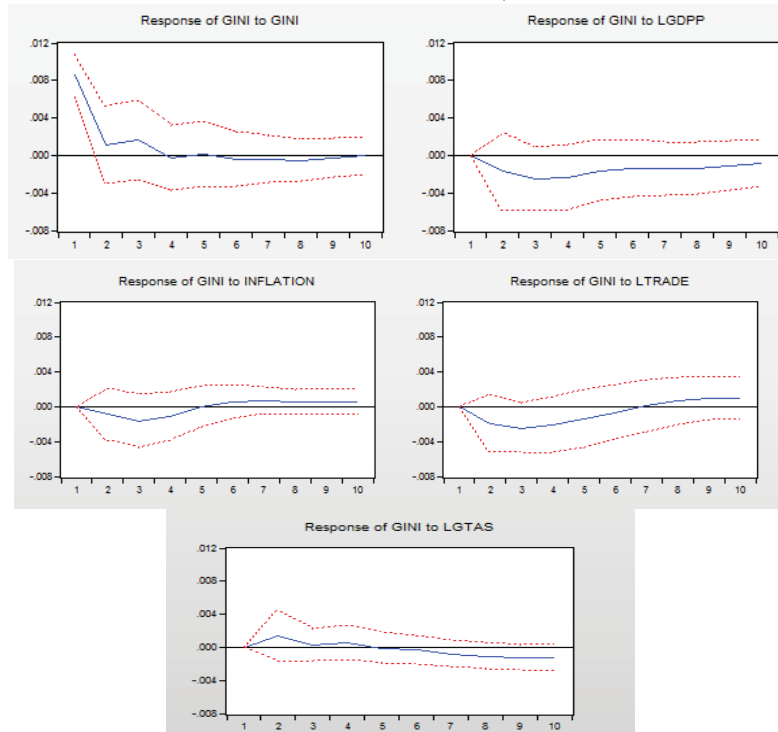
1. Maximum Eigenvalue

اطمینان ۹۵ درصد بیشتر است؛ بنابراین فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه بلندمدت میان متغیرهای الگورد می‌شود. برای تعیین وقفه‌های بهینه در برآورد الگواز معیار اطلاعات شوارتز استفاده می‌شود؛ زیرا معیار شوارتز برای داده‌های با حجم نمونه کمتر از ۱۲۰ دقیق‌ترین معیار اطلاعاتی است. وقفه بهینه الگوی خودرگرسیون برداری برابر با دو تعیین شده است.

۴-۳. توابع عکس‌العمل تحریک

توابع عکس‌العمل تحریک، اثر عکس‌العمل یک متغیر درون‌زا را نسبت به تغییر یکی از جملات اخلاص در طول زمان نشان می‌دهد. در نمودار (۳) واکنش پویای متغیر ضریب جینی نسبت به شوک‌های لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ تورم، لگاریتم شاخص باز بودن تجارت و لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی است. خط میانی تابع عکس‌العمل تحریک، بیانگر واکنش ضریب جینی به یک شوک متغیرهای الگوست. خطوط نقطه‌ای نیز نشان‌دهنده بازده اطمینان یا انحراف استاندارد معین است. محور افقی دوره‌های زمانی تأثیرگذاری شوک و محور عمودی میزان اثرگذاری شوک را نشان می‌دهد.

نمودار ۳: واکنش پویای ضریب جینی نسبت به متغیرهای الگو



براساس نمودار (۳)، وقوع یک شوک مثبت در لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه تا دو و نیم دوره باعث کاهش ضریب جینی و نابرابری درآمد می‌شود و پس از آن باعث افزایش آن می‌شود. وقوع یک شوک مثبت در تورم، نیز تا دو و نیم دوره باعث کاهش ضریب جینی و پس از آن باعث افزایش ضریب جینی و نابرابری درآمد می‌شود. وقوع یک شوک مثبت در لگاریتم شاخص باز بودن اقتصاد تا دو و نیم دوره باعث کاهش ضریب جینی می‌شود و پس از آن ضریب جینی را افزایش می‌دهد. وقوع یک شوک مثبت در لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی تا یک و نیم دوره باعث افزایش ضریب جینی و پس از آن باعث کاهش ضریب جینی و نابرابری درآمد شده است، هرچند کاهش نابرابری درآمد ناچیز بوده است.

دلیل آثار ناچیز تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در توضیح ضریب جینی آن است که بررسی عملکرد بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در پرداخت تسهیلات قرض الحسنه نشان می‌دهد که سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات پرداختی آنها در بیشتر سال‌های پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا روندی کاهشی داشته و توجهی کمتر به گسترش این نهاد در دسترسی به اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا شده است.

براساس داده‌های بانک مرکزی، میانگین نسبت تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی به کل تسهیلات اعطایی آنها در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲، برابر ۵/۷۸ درصد، حداکثر مقدار آن ۱۱/۵۸ درصد در سال ۱۳۶۵ یعنی دو سال پس از اجرای قانون بانکداری بدون ربا و حداقل مقدار آن ۳/۱۵ درصد در سال ۱۳۸۶ بوده است، هرچند از سال ۱۳۸۶ نسبت تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی به کل تسهیلات اعطایی آنها دوباره از ۳/۱۵ به ۵/۳۱ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. بنابراین، حداکثر وام قرض الحسنه پرداختی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی ده درصد جمع کل تسهیلات اعطایی در هر سال است، مشروط بر اینکه از جمع کل سپرده‌های پس‌انداز قرض الحسنه آنها بیشتر نشود. همچنین، حداکثر سقف تخصیصی برای رفع نیازهای ضروری اشخاص (موجود بند ج) نباید از ۲۵ درصد کل تسهیلات قرض الحسنه بیشتر باشد؛ ولی آنچه که در عمل اتفاق افتاده نشانگر عملکرد ضعیف بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در پرداخت تسهیلات قرض الحسنه طبق ماده ۱۶ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا بوده است.

۴-۴. تجزیه واریانس

برای بررسی سهم بی‌ثباتی متغیرها در توجیه نوسانات یک متغیر خاص از تجزیه واریانس استفاده می‌شود. نتایج مربوط به تجزیه واریانس ضریب جینی در جدول (۲) گزارش شده است. در این

جدول، ستون اول از سمت راست دوره تحلیل ۱۰ ساله و ستون دوم، خطای پیش‌بینی متغیر در افق پیش‌بینی را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه خطای پیش‌بینی در هر سال براساس خطای سال پیش محاسبه می‌شود، طی دوره مورد بررسی همواره افزایش می‌یابد. ستون‌های بعدی سهم بی‌ثباتی متغیرها در توجیه نوسانات یک متغیر خاص را نشان می‌دهد. براساس نتایج، در دوره اول صد در صد توضیحات ضریب جینی توسط خودش توضیح داده می‌شود؛ ولی با افزایش دوره مورد بررسی، تأثیر متغیرهای مستقل در توضیح ضریب جینی افزایش می‌یابد؛ به‌طوری‌که در دوره دهم ۵۷/۰۱ درصد از تغییرات ضریب جینی به‌وسیله خودش و بقیه به‌وسیله متغیرهای دیگر مؤثر بر آن توضیح داده می‌شود. تجزیه واریانس ضریب جینی نشان می‌دهد که در سال اول تا دهم ضریب جینی بیشترین سهم را در توضیح ضریب جینی دارد و سهم آن از ۱۰۰ درصد در سال اول به ۵۷/۰۱ درصد در سال دهم کاهش یافته است. همچنین، در پایان سال دهم لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه بالاترین سهم در میان دیگر متغیرها در توضیح ضریب جینی داشته است و سهم آن در سال دهم به ۱۸/۸۰ درصد افزایش یافته است. در سال دهم، سهم لگاریتم شاخص باز بودن تجارت، لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی و تورم در توضیح ضریب جینی به ترتیب ۱۳/۹۷، ۵/۳۰ و ۴/۸۹ درصد بوده است. بنابراین، لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی هرچند در توضیحات ضریب جینی سهمی کمتر از ۵ درصد داشته‌اند، ولی بعد از یک و نیم دوره باعث کاهش ناچیز ضریب جینی و نابرابری درآمد شده است. دلیل سهم اندک تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در توضیح ضریب جینی آن است که بررسی عملکرد نهاد قرض الحسنه در سطح تسهیلات بانک‌ها نشان می‌دهد که سهم این تسهیلات از کل تسهیلات پرداختی بانک‌ها در بیشتر سال‌های پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا روندی کاهشی داشته است و توجهی کمتر به گسترش این نهاد در دسترسی به اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا شده است.

جدول ۳: تجزیه واریانس لگاریتم ضریب جینی

سال	S.E	gini	lgdpp	inflation	ltrade	lgtas
۱	۰/۸۵۳	۱۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۲	۰/۹۱۲	۸۹/۰۳	۳/۵۲	۰/۹۷۸	۴/۳۶	۲/۰۹
۳	۱/۰۰۶	۷۵/۶۳	۹/۱۶	۳/۶۶	۹/۷۲	۱/۸۰
۴	۱/۰۰۶	۶۷/۸۴	۱۳/۱۲	۴/۳۷	۱۲/۷۷	۱/۸۸
۵	۱/۰۸۴	۶۵/۲۲	۱۴/۸۱	۴/۲۰	۱۴/۰۰	۱/۸۲
۶	۱۰/۰۹۸	۶۳/۷۴	۱۶/۰۸	۴/۳۷	۱۳/۹۲	۱/۸۶
۷	۱/۱۱۳	۶۲/۲۲	۱۷/۳۰	۴/۵۸	۱۳/۵۵	۲/۳۳
۸	۱/۱۳۲	۶۰/۴۱	۱۸/۳۱	۴/۶۷	۱۳/۴۲	۳/۱۶
۹	۱/۱۵۱	۵۸/۵۱	۱۸/۷۶	۴/۷۷	۱۳/۶۷	۴/۲۷
۱۰	۱/۱۶۶	۵۷/۰۱	۱۸/۸۰	۴/۸۹	۱۳/۹۷	۵/۳۰

منبع: نتایج تحقیق

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در نظام اقتصادی اسلام، قرض الحسنه به‌عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته شده است و جریان پول را از طبقات ثروتمند به سوی طبقات کم‌درآمد سوق می‌دهد؛ در نتیجه می‌تواند با ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات یادشده برای تثبیت درآمدها میان نیازمندان و عدم تمرکز ثروت نقشی فعال داشته باشد. بنابراین، قرض الحسنه با انتقال دوره‌ای درآمدها از ثروتمندان به نیازمندان و نگرفتن سود، منافعی را برای نیازمندان در پی خواهد داشت و وضعیت توزیع درآمد را تغییر خواهد داد. با وجود این، کاهش فقر در جامعه اسلامی و تعدیل توزیع درآمدها به حجم قرض الحسنه و گسترش آن در جامعه اسلامی و شدت فقر و نابرابری بستگی دارد.

در این مقاله تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از تکنیک‌های توابع عکس‌العمل تحریک (IRF) و تجزیه واریانس (VD) در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲ تحلیل شد. نتایج توابع عکس‌العمل تحریک نشان می‌دهد که وقوع یک شوک مثبت در تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی تا یک و نیم دوره باعث افزایش نابرابری درآمد می‌شود؛ ولی پس از آن تا دوره دهم باعث کاهش نابرابری درآمد شده است، هرچند کاهش نابرابری درآمد در واکنش به لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی اندک بوده است.

همچنین، نتایج تجزیه واریانس نشان می‌دهد که لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی، سهم ۵/۳۰ درصدی را در توضیح ضریب جینی داشته است و تجزیه واریانس ضریب جینی نشان می‌دهد که در سال اول تا دهم، ضریب جینی بیشترین سهم را در توضیح خود داشته است. در پایان سال دهم لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه نیز بالاترین سهم در میان دیگر متغیرها در توضیح ضریب جینی داشته است. دلیل سهم اندک تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در توضیح لگاریتم ضریب جینی آن است که بررسی عملکرد نهاد قرض الحسنه در سطح تسهیلات بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی نشان می‌دهد که سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات پرداختی بانک‌ها در بیشتر سال‌های پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا روندی کاهشی داشته و توجهی کمتر به گسترش این نهاد در دسترسی به اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا شده است. بنابراین، با توجه به حجم زیاد سپرده‌های جاری قرض الحسنه در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی، چنانچه حداکثر وام قرض الحسنه پرداخت و نظام تخصیص تسهیلات قرض الحسنه به‌درستی انجام شود، می‌تواند برای اهداف بهبود توزیع درآمدها در جامعه عمل کند. براساس این، در مجموع، قرض الحسنه می‌تواند به‌عنوان ابزاری مفید در راستای تحقق اهداف توزیعی و فقرزدایی عمل کند و به‌همین دلیل می‌توان آن را سازگار با اهداف توزیعی جامعه اسلامی دانست.

منابع

۱. احمدی، علی؛ محمدغفاری، حسن؛ وفایی، محمد و رضا یگانه (۱۳۸۷)، «بررسی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد»، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲. اکبریان، رضا (۱۳۸۲)، «تحلیلی از مفاهیم بهره و سپرده‌گذاری در اقتصاد اسلام»، مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس: تهران.
۳. ابونوری، اسماعیل و افسانه قاسمی تازه‌آبادی (۱۳۸۶)، «ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده‌های پانل بین استانی)»، اقتصاد اسلامی، س ۷، ش ۲۸، ص ۱۳۹-۱۶۴.
۴. حسینی، سیدمهدی و صادق خزاعی (۱۳۹۳)، «تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری در کشورهای عضو اکو»، توسعه اقتصادی، ش ۱۶، ص ۱-۲۲.
۵. جندقی میبدی، فرشته (۱۳۸۷)، «رابطه عقود اسلامی در سیستم بانکی با کاهش فقر»، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. دادگر، یدالله (۱۳۹۲)، اقتصاد بخش عمومی، چ ۳، قم: دانشگاه مفید.
۷. دیزجی، منیره و محدثه آهنگری گرگری (۱۳۹۴)، «تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه»، اقتصاد مالی و توسعه، س ۹، ش ۳۳، ص ۷۵-۱۰۳.
۸. دهمرده، نظر و زینب شکری (۱۳۸۹)، «اثرات توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، س ۱۸، ش ۵۴، ص ۱۴۷-۱۶۴.
۹. صامتی، مجید و زهرا سادات سجادی (۱۳۹۱)، «تأثیر توسعه مالی بر نابرابری توزیع درآمد: مطالعه موردی منتخبی از کشورهای در حال توسعه»، پژوهش‌نامه اقتصاد کلان، س ۷، ش ۱۴، ص ۱۲۹-۱۵۰.
۱۰. عرب‌مازار، عباس و سعید کیقبادی (۱۳۸۵)، «جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکداری ایران»، اقتصاد اسلامی، ش ۱۶، ص ۱۳-۴۶.
۱۱. قنبری، علی؛ آقایی، مجید و مهدیه رضاقلای‌زاده (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران»، پژوهش‌نامه اقتصادی، س ۱۱، ش ۱، ص ۱-۲۹.
۱۲. کمیجانی، علی‌اکبر و علی‌اصغر هادوی‌نیا (۱۳۷۷)، «درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، نامه مفید، ش ۱۴، ص ۱-۱۵.

۱۳. کرویتس، هلموت (۱۳۷۸)، پول، بهره و بحران‌های اقتصادی-اجتماعی، ترجمه حمیدرضا شهمیرادی، چ ۱، کانون اندیشه جوان.
۱۴. کینز، جان مینارد (۱۳۸۷)، نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران: نشر نی.
۱۵. محمدغفاری، حسن (۱۳۸۵)، «مکانیسم عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد»، دانش‌پژوهان، ش ۹، ص ۱-۲۰.
۱۶. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۷)، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن از دیدگاه امام خمینی»، نامه مفید، ش ۱۴، ص ۱۸۵-۲۱۸.
۱۷. موسویان، سیدعباس (۱۳۷۷)، «بهره بانک‌های دولتی»، نامه مفید، ش ۱۴، ص ۲۱۹-۲۳۲.
۱۸. مهرگان، نادر و مهدی خوش اخلاق (۱۳۹۵)، «اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها)»، اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۱۶، ص ۹۳-۱۱۹.
۱۹. هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۷۸)، قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
20. Ang, J. B., (2010), "Finance and Inequality: The Case of India", *Southern Economic Journal*, 76(3), 738-761.
21. Dhryfi, A., (2013), "Financial Development and the Growth-Inequality-Poverty Triangle: A Comparative Study between Developed and Developing Countries", *International Journal of Economics, Financial and Management*, 7, 472-481.
22. Kuznets, S., (1955), "Economic Growth and Income Inequality", *American Economic Review*, 45(1), 1-28.
23. Liang, Z., (2006), "Financial Development and Income Distribution: a System GMM Panel Analysis with Application to Urban China", *Journal of Economic Development*, 31 (2), 1-21.
24. Salah Uddin, G., M. Shahbazi, M. A., & Teulon, F., (2014), "Financial Development and Poverty Reduction Nexus: A Co-integration and Causality Analysis in Bangladesh", *Economic Modeling*, 36, 405-412.